



مشروطه، بُعد ملی و میهنی جامعه ایرانی را ارتقا داد

پژوهشگر ادبیات مشروطه و معاصر، با اشاره به بسامد عناصر اسطوره‌ای در ادبیات دوره مشروطه، گفت: کمتر دیوانی است که در این دوره، به تعبیرات شاهنامه‌ای نپرداخته باشد.

دکتر باقر صدری نیا، در نشست بررسی تاثیر شاهنامه در ادبیات دوره مشروطه، در خانه هنرمندان سازمان فرهنگی و هنری شهرداری تبریز، خاطرنشان کرد: مشروطه، بُعد ملی و میهنی جامعه ایرانی را ارتقا داد و در این راه، از عناصر اساطیری شاهنامه، در شعر و ادبیات، به خوبی بهره جست.

استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تبریز، یادآور شد: ادبیات دوره مشروطه، از شبکه‌های معانی گوناگونی تشکیل می‌شود که «ملت و میهن» دو محور آن است. وی با اشاره به اینکه پیشگامان فکری نهضت مشروطه، در مسیر تئوریزه کردن مسائل اجتماعی، به نقد گذشته پرداختند، تصریح کرد: در این راه، شاهد بودیم که به ویژه در حوزه ادبیات، نقدهای بی‌محابا و گاه حتی نامنصفانه‌ای، نثار ادبیات گذشته شد. متفکران مشروطه، معتقد بودند بخش عمده‌ای از عقب افتادگی ایران، به خاطر ادبیات عرفانی و تغزلی و مدیحه سرایی گذشته است.

دکتر صدری نیا ادامه داد: این افراد، همه فجایع ایران را متوجه سعدی و خاقانی و دیگران می‌دانستند اما فردوسی را به خاطر حس میهنی، استثنا می‌کردند و شاهنامه را برای انگیزش جامعه، سودمند می‌دانستند.

وی خاطرنشان کرد: در مجموعه دیدگاه‌های مشروطه، بهترین اثر، اثری است که ساده، سهل، سودمند و دارای جهت‌گیری میهنی باشد. به همین دلیل، طبیعی است که شاهنامه فردوسی، در این دوره، مقبولیت داشته باشد و بسیاری از شاعران، متأثر از این اثر ادبی باشند.

مولف فرهنگ مائورات عرفانی، اظهار داشت: در ادبیات دوره مشروطه، حماسه‌ها، دیگر در سمت و سوی عرفانی و اخلاقی، جهت‌گیری نشده‌اند، بلکه متناسب با تحولات آن روزگار، صرفاً در جهت میهنی سامان یافته‌اند.

وی با یادآوری تقسیمات سرزمینی ایران در اسطوره‌ها، متذکر شد: در اساطیر ما «فریدون» قلمرو خود را بین پسران خود تقسیم می‌کند؛ به این ترتیب که قلب زمین که ایران است، به «ایرج»، شرق به «تور» و غرب به «سلم» می‌رسد و در نهایت، ایرج، قربانی دسیسه دو برادر می‌شود.

این استاد دانشگاه ادامه داد: در حقیقت ایران، از دیرباز، با این دو دشمن خارجی، هویت می‌یابد و همین دستمایه‌ای می‌شود تا شاعران دوره مشروطه وقتی می‌خواهند تضاد روس و انگلیس را با ایران مطرح کند، بُعد اساطیری به موضوع می‌دهند.

وی تصریح کرد: روس در تلقی تاریخی مردم ایران، کشوری زودجوش و کینه‌توز است، از این رو، در ادبیات دوره مشروطه، همسان «تور» اساطیری است؛ در مقابل، انگلیس که مکار و نیرنگ‌باز است به «سلم» نسبت داده می‌شود. همان‌طور که در شعر فرخی یزدی آمده است: عید جم شد ای فریدون خوبت ایران پرست / مستبیدی خوی ضحاک است این خو نه ز دست / حالیا کز سلم و تور انگلیس و روس هست / ایرج ایران سراپا دستگیر و پای بست.

دکتر صدری نیا ادامه داد: در خصوص ایستادگی در برابر استبداد داخلی نیز در ادبیات مشروطه، سخن از «ضحاک و کاوه» به میان آمده است. مثلاً فرخی یزدی چنین سروده است: ضحاک عدو را به چکش مغز توان کوفت / سرمشق گر از کاوه حداد بگیرید.

وی در پایان تأکید کرد: شاعران دوره مشروطه، متناسب با واقعیت‌های سیاسی جامعه، با استفاده از عناصر اسطوره‌ای، تلاش کرده‌اند تا عمیق‌معنایی جامعه را بیان کنند.

عکس ها: داود نجفی